

RAND

World Population Shifts

Boom or Doom?

Kevin F. McCarthy

Supported by the
William and Flora Hewlett Foundation
David and Lucile Packard Foundation
Rockefeller Foundation

 POPULATION
MATTERS
A RAND Program of Policy-Relevant Research Communication

عنوان: تغییرات جمعیت جهان

عنوان فرعی: انفجار یا نابودی

نویسنده: کوین مککارتی

سال انتشار: ۱۳۷۸

مقدمه

ساختار رشد جمعیت جهان در حال تغییر است. به نظر می‌رسد جمعیت موجود هر ۱۲ یا ۱۳ سال یک میلیارد بیشتر می‌شود. این میانگین آهنگ رشد (۱,۴ درصد) این واقعیت را می‌پوشاند که برخی از بخش‌های جهان رشد جمعیت بسیار سریع تری نسبت به بخش‌های دیگر دارند. کشورهای توسعه یافته در هر سال کمتر از ۰,۳ درصد رشد جمعیت دارند در حالی که سایر بخش‌های جهان شش برابر این آهنگ رشد جمعیت دارند. این تفاوت‌های جمعیت‌شناختی، همراه با تفاوت‌های رو به افزایش اقتصادی،

بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای کمتر توسعه یافته باعث افزایش مهاجرت افراد به کشورهای توسعه یافته می شود. اینکه کشورهای توسعه یافته چگونه به این فشارها واکنش نشان دهند تعیین می کند که این فشارها به فاجعه یا پیشرفت ختم شود. این مقاله پس از چاپ اثر گستردهای بر مباحث مرتبط به مهاجرت در مطالعات جمعیت-شناختی داشته و نوع نگاه متوازن مطرح شده در این متن در حیطه سیاست گذاری مهاجرت عملاً در بسیاری از برنامه ریزی های کشورهای توسعه یافته بکار رفته است. در کل مقاله تغییرات جمعیتی در نقاط مختلف جهان، تاثیر آن بر مهاجرت های برون مرزی و عکس العمل بالقوه کشورهای توسعه یافته نسبت به فشار رشد مهاجرت را بررسی می کند.

روندهای جمعیت شناختی در نقاط مختلف جهان

بنا بر متن مقاله معرفی شده جمعیت شناسان تاریخ رشد جمعیت در اروپای غربی را بر اساس مدل انتقال جمعیت شناختی تعیین میکنند. این مدل چارچوب مفیدی برای فهم روندهای جمعیتی حتی در سایر نقاط جهان نیز فراهم می کنند. این مدل تاریخ رشد جمعیت را در چهار مرحله به نمایش می گذارد که به شکل ابتدایی به وسیله آهنگ های متفاوت تولد و مرگ نشان داده می شود:

مرحله اول، که بخش اعظم تاریخ بشر را نشان می دهد که با آهنگ بالای تولد و مرگ مشخص می شود.

مرحله دوم، که در غرب در حدود سال ۱۱۸۰ هج شروع شد، و با کم شدن آهنگ مرگ و میر به دلیل بهبود استانداردهای زندگی، پیشرفت سیستم های تخلیه فاضلاب، و، اخیرتر از همه، تحدید بیماری های واگیردار همراه بود.

مرحله سوم، که با کاهش آهنگ تولد همراه است و واکنشی نسبت به تغییرات رفتاری و اجتماعی است.

در مرحله بعد با کاهش آهنگ زاد و ولد، مرگ و تولد یکدیگر را متعادل می کنند و رشد جمعیت متوقف میشود. این همان مرحله چهارم است.

در وضعیتی که آهنگ پایین و به موازنه بین آهنگ مرگ و میر و تولد رسیده باشد مهاجرت تبدیل به مهم ترین محرک برای رشد اضافی در آن کشورهاست.

فشارهای مهاجرت

در مرحله بعد مقاله مذکور این مسئله را مطرح میکند که آهنگ پایین زاد و ولد که مشخصه مرحله چهارم است باعث سالمندی سریع جمعیت می شود. در سال ۲۰۲۵ به عنوان مثال میانگین سنی جمعیت امریکا از ۳۴ به ۴۳ خواهد رسید. در آلمان این آهنگ از ۳۹ به ۵۰ خواهد رسید. یک چهارم جمعیت آلمان بالای ۶۵ سال خواهد بود و تعداد نیروی کار جدیدی که میخواید وارد بازار کار شود یک سوم کاهش خواهد یافت. این روندها باعث مطرح شدن برخی سوالات مهم می شود:

با کاهش نیروی کار چگونه چنین جامعه ای توانایی حمایت و پشتیبانی از سالمندان جامعه را خواهد داشت؟

چگونه جامعه می تواند سرمایه گذاری عمومی لازم برای آموزش جوانان و حمایت های لازم برای سلامت سالمندان فراهم کند؟

نیروی کار جدید از کجا تامین خواهد شد؟

مک کارتی عنوان میکند که این فرایندها به همراه افزایش میزان نابرابری اقتصادی در میان کشورها باعث افزایش فشار مهاجرت از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای توسعه یافته می شود. در حال حاضر فقط تعدادی از کشورهای توسعه یافته پذیرای مهاجران با هر تعدادی هستند. برخی از کشورهای اروپایی تعداد کمی از پناهندگان را به دلایل انسانی می پذیرند ولی مانع از ورود سایر مهاجران می شوند. ژاپن که در طی ۲۵ سال آینده یک چهارم جمعیتش را از دست خواهد داد در حال حاضر تعداد کمی مهاجر می پذیرد. با وجود اینکه ناخوشایند به نظر می رسد که کشورهایی که سیاست های بازتری در مورد مهاجرت اتخاذ کرده اند تحت فشار و مخالفت های سیاسی چنین کرده اند اما این تصویر نیز در حال تغییر است. در میان احتمالات ممکنه که وجود دارد میتوان به برنامه کارگران مهمان و برنامه ریزی برای مهاجرت های منطقه ای اشاره کرد که با روابط بازرگانی قابل مقایسه است که تبادل متقابل کالا و افراد را در مرزهای مشخص و تعیین شده میسر می کند. در واقع این مدلها، نمایانگر اشکال جدیدی از مهاجرت و نرمهای گزینشی تر آن را نشان میدهند. بسیاری از چپگرایان معتقد به گونه های جدیدی از استثمار در این اشکال مهاجرت برونمرزی به کشورهای توسعه یافته تر هستند.

مک کارتی در ضمن مسائل آموزنده مرتبط با مهاجرت به آمریکا برای سایر کشورها را

نیز مطرح مینماید. در ایالات متحده که تاریخ و سنت پذیرش مهاجرین را دارد مهاجران به طور معمول مسئول دو سوم رشد کل جمعیت هستند. مطالعات مختلف نشان داده است که مهاجرت هزینه و فایده خاص خود را دارد و این هزینه و فایده ها به میزان مهارت مهاجران و وضعیت اقتصادی برمی گردد. علاوه بر این بحث عمومی در مورد این تاثیرات به این خاطر پیچیده است که در هر دو طرف بحث گروه هایی هستند که نفعی برای خودشان دارند. در نتیجه بحث و مشاجره در مورد این رویه های کلیدی ادامه می یابد:

۱. چه تعداد پذیرفته شوند

۲. چه کسانی پذیرفته شوند

۳. تحت چه شرایطی پذیرفته شوند

پیچیدگی بیشتر این بحث ها و مشاجرات در مورد مهاجرت در نظر نگارنده به خاطر گسترش نگاه های شکاکانه نسبت به تغییرات تکنولوژیک و تاثیرات محیطی رشد اقتصادی و جمعیتی است. شیوع چنین رویکردهایی کنار آمدن با افزایش جمعیت از طریق مهاجرپذیری در سال های آینده را برای غرب دشوار ساخته و گرایش به سمت کاهش مهاجرپذیری را تقویت میکند.

افزایش فشار بر کشورهای توسعه یافته برای پذیرش مهاجر از کشورهای کمتر توسعه یافته به سختی قابل حل است. این مسئله پیامدهایی به بار می آورد که فراتر از مسایل جمعیت شناختی است. در واقع این مسئله ما را وادار می کند تا تعیین کنیم به دنبال ساختن چه نوع جامعه ای هستیم. از آنجا که افکار عمومی در مورد رشد جمعیت و هزینه ها و فواید مهاجرت به خوبی آگاه نیست به رهبری و مدیریتی قوی نیاز است تا با شکل دادن به این روندها باعث شود که فرایند سیاسی موجود در جامعه در جهت منافع عمومی حرکت کند. در هر حال، هم رهبران و هم افکار عمومی باید بیشتر در جریان این روندها و چالش های پیش رو قرار گیرند.

در کل کتاب نوع نگاه به مسئله مهاجرپذیری و مهاجرت برون مرزی از دیدگاه کشورهای مقصد را به خوبی مورد تحلیل قرار میدهد. شفافیت و آگاهی از این سیاست-ها بالاخص برای کشور ما که آمار بسیار بالایی از مهاجرفرستی به سایر کشورها را در اختیار دارد جهت برنامه ریزیهای آتی ضروری به نظر میرسد.